

امام علی علیه السلام

و

نسل امروز

شناخت رهبران الهی و چگونگی رفتار و کردار آنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... و اخذ آموزه‌هایی که راهگشای مشکلات انسان معاصر باشد، برای تمام افراد بشر سودمند خواهد بود. اعلام سال ۱۳۷۹ از سوی مقام معظم رهبری به عنوان سال امام علی علیه السلام فرصتی بود تا در سیره قولی و عملی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب تأمل و مذاقه بیشتری شود؛ در این راستا فصلنامه علوم سیاسی نیز سعی کرده است تا از منظر سیاست، میراث علمی و زندگی آن حضرت را مورد کند و کاو قرار دهد. دغدغه مقالات این شماره، پاسخ‌گویی به این پرسش است که «آموزه‌ها، پیام‌ها و درس‌های سیاسی امام علی علیه السلام برای نسل امروز چیست؟»

با عنایت به این که هنوز در نقطه‌های آغازین تدوین دانش سیاسی فاضله و دینی معاصر هستیم، لازم است برخی از درس‌هایی را که از سیره سیاسی آن حضرت می‌توانیم بگیریم، بیان شود:

۱. دین و حکومت: امام علی علاوه بر ضرورت حکومت بر دینی بودن آن نیز تأکید و پافشاری کرده است. در یک حکومت دینی است که «شرط انصاف» در قانون گذاری رعایت می‌شود، زیرا قانون‌گذار اصلی خداوند حکیم است. زمانی که

حکومت، مردم و حاکمان مطیع دین و فرمان‌های خداوند باشند، نظام صالح مستقر خواهد شد. در سایه نظام صالح، فضایل ترویج و رذایل متروک می‌شود. کمک به گمراهان، رسیدگی به ناتوانان، یاری به بی‌پناهان، مبارزه با اسراف، برقراری امنیت، کوبیده شدن باطل، نشر حق، امر به معروف و نهی از منکر، برپاداشتن نماز و روزه و حج و تولی و تبری، تربیت‌های قرآنی و نفی ظلم و ستم و... از ثمرات دیگر استقرار نظام صالح است.

امام علی علیه السلام در نقد حکومت امویان به پیامدهای نادرست عملکرد آنان اشاره کرده، می‌فرماید:

به خدا که بر سرکار بمانند تا حرامی از خدای را نگذارند، جز آن که آن را حلال شمارند، و پیمانی استوار نماند، جز آن که آن را بگسلانند، و خانه‌ای در دهستان و خیمه‌ای در بیابان نبود، جز آن که ستم آنان بدان رسد و ویرانش گرداند، و بدرفتاری‌شان مردم آن جا را بگریزند (نهج البلاغه، خطبه ۹۸).

بنابر این حکومت دینی موظف است حدود احکام الهی را پاس بدارد و به عمران و آبادانی و تأمین خواسته‌ها و رضایت مردم اهتمام ورزد.

۲. صداقت و سیاست: یکی از درس‌های بزرگ در سیره سیاسی امام علی، صداقت آن حضرت در عرصه‌های مختلف، از جمله سیاست است. از نظر ایشان هدف وسیله را توجیه نمی‌کند؛ انسان مسلمان برای هیچ هدفی، هر چند بسیار مهم، نمی‌تواند از صراط مستقیم منحرف شود. صداقت آن حضرت در حدی بود که برخی از اطرافیان ایشان نیز لب به اعتراض گشودند و در مقایسه‌ای معاویه را سیاستمدارتر خواندند؛ این جا بود که حضرت فرمود:

به خدا سوگند، معاویه زیرک‌تر از من نیست، لیکن شیوه او، پیمان شکنی و گنهکاری است. اگر پیمان شکنی ناخوشایند نمی‌نمود، زیرک‌تر از من کسی نبود؛ اما هر پیمان شکنی به گناه برانگیزاند، و هر چه به گناه برانگیزاند، دل را تاریک گرداند (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰).

از همین روست که حضرت در موارد متعدد اعلام می‌کند که حکومت پیش من هیچ ارزشی ندارد مگر این که در پرتو آن بتوانم به تکالیف الهی خود عمل کنم.

حکومت و سیاست در نظر امام علی ایزاری است برای خدمت به خلق خدا و احقاق حق مظلومان.

۳. دنیا و آخرت: امام علی علیه السلام با آن که به حکومت دست یافت، اما بدان و به دنیا دل نبست، و با آن که امام بود و معصوم، اما ترک دنیا نکرد و گوشه عزلت نگزید، بلکه اهل جهاد و سیاست و عبادت و دیانت و تلاش و کار بود. خلاصه این که میان دنیا و آخرت جمع کرده و دنیا را مزرعه آخرت می دید:

مردم در کار دنیا دو گونه اند: آن که برای دنیا کار کرد و دنیا او را از آخرتش باز داشت، بر بازمانده اش از درویشی ترسان است و خود از دنیا برخویشتن درامان. پس زندگانی خود را در سود دیگری در بازد، و آن که در دنیا برای پس از دنیا کار کند، پس بی آن که کار کند بهره وی از دنیا به سوی او تازد، و هر دو نصیب را فراهم کرده و هر دو جهان را به دست آورده، چنین کسی را نزد خدا آبروست و هر چه از خدا خواهد از آن اوست (نهج البلاغه، حکمت، ۲۶۹).

روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

اسلام دینی است با متانت... در عمل مانند کسی عمل کن که امید دارد به پیری برسد و آن گاه بمیرد، و در احتیاط مانند کسی باش که بیم آن دارد فردا بمیرد (بحار الانوار، ج ۱۵، باب ۲۹).

از امام حسن علیه السلام نیز نقل شده که فرمود:

برای دنیایت چنان باش که گویی جاویدان خواهی ماند و برای آخرت چنان باش که گویی فردا می میری (وسائل الشیعه، ج ۲، باب ۸۲).

از ویژگی های امام علی علیه السلام جمع میان عناصری است که بسیاری از انسان ها می پندارند بین شان تضاد است و نمی توان میان آنها جمع کرد: جمع میان اخلاق و قدرت، دیانت و سیاست، عدالت و آزادی، کار و عبادت و...

۴. عدالت و مصلحت: مفهوم کلیدی در سیاست علوی «عدالت» است. امام علی در پاسخ شخصی که از آن حضرت پرسید: آیا عدالت شریف تر است یا بخشندگی؟ فرمود: عدل بالاتر است، زیرا عدل جریان امور را در مسیر طبیعی خود قرار می دهد، در حالی که «جود» و بخشش امور را از مجرای طبیعی خود خارج

می سازد. عدالت قانونی است عام و مدیر و مدبری است کلی و شامل که همه اجتماع را در برمی گیرد و بزرگرایی است که همه باید از آن بروند؛ اما جود و بخشش یک حالت استثنایی است (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷).

آن حضرت هنگامی که مردم هجوم آوردند تا ایشان حکومت را بپذیرد، مهم ترین دلیل پذیرش خلافت را اجرای عدالت اعلام کرد:

اگر آن اجتماع عظیم نبود و اگر تمام شدن حجت و بسته شدن راه عذر بر من نبود و اگر پیمان خدا از دانشمندان نبود که در مقابل پرخوری ستمگر و گرسنگی ستمکش ساکت نشینند و دست روی دست نگذارند، همانا افسار خلافت را روی شانه اش می انداختم و مانند روز اول کنار می نشستم (نهج البلاغه، خطبه ۳).

وقتی دوستان خیراندیش به حضور آن حضرت آمدند و تقاضا کردند که برای مصلحت مهم تر، انعطافی در سیاست خود پدید آورد و موضوع مساوات و برابری را مسکوت بگذارد، فرمود:

شما از من می خواهید که پیروزی را به قیمت تبعیض و ستمگری به دست آورم؟ از من می خواهید که عدالت را به پای سیاست و سیادت قربانی کنم؟ خیر، سوگند به ذات خدا که تا دنیا دنیاست چنین کاری نخواهم کرد و به گرد چنین کاری نخواهم گشت، من و تبعیض؟! من و پایمال کردن عدالت؟! اگر همه این اموال عمومی که در اختیار من است، مال شخص خودم و محصول دسترنج خودم بود و می خواستم میان مردم تقسیم کنم، هرگز تبعیض روا نمی داشتم تا چه رسد که مال خداست و من امانتدار خدایم (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶).

حضرت علی علیه السلام از حاکمانی است که تأکید و اصرار فراوان بر رعایت حقوق مردم و پیش از آن، آگاه کردن مردم به حقوق خود در مقابل حکومت دارد؛ در این باره چنین می فرماید:

خداوند برای من به موجب این که ولی امر و حکمران شما هستم حقی بر شما قرار داده است و برای شما نیز بر من همان اندازه حق است که از من بر شما. همانا حق برای گفتن، وسیع ترین میدانها و برای عمل کردن و انصاف دادن، تنگ ترین

میدان‌هاست. حق به سود کسی جریان نمی‌یابد مگر آن که به زیان او نیز جاری می‌گردد، و برزیان کسی جاری نمی‌شود مگر این که به سود او نیز جاری می‌گردد (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴).

۵. قدرت و پارسایی: در نگاه امام علی، قدرت الهی فوق تمام قدرت‌هاست و هر صاحب قدرتی باید خداوند را امیر خود بداند. معنای تقوا و پارسایی در عرصه سیاست نیز همین است که سیاستمداران خدا را ناظر بر اعمال و کردار خود بدانند. حسن ختام این سرآغاز را توصیه آن حضرت به پارسایی و تقوا قرار می‌دهیم که فرمود:

سفارش می‌کنم شما را به ترس از خدایی که آفرینشتان را آغاز فرمود، و باز گشتنتان بدو خواهد بود. روایی حاجت شما از اوست، و نهایت رغبتتان به درگاه اوست. مقصد راه شما به پیشگاه او منتهی شود، و پناهگاهتان سایه رحمت او بود. داروی درد دل‌هاتان ترس از خداست، و ترس از خدا موجب بینایی درون‌های کور شماست، و درمان بیماری کالبد هاتان و زداینده فساد سینه‌هاتان... پس فرمانبرداری خدا را پوشش جان کنید... و بر سر همه کارهاتان امیرش نمایید (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸).

تقوا، عدالت، آخرت محوری، صداقت و حکومت دینی از مهم‌ترین پیام‌ها و درس‌های امام علی علیه السلام برای نسل امروز است. به امید آن که با آگاهی از آموزه‌های امام علی علیه السلام و عمل به آن، روز به روز در مسیر توسعه و تعالی گام برداریم و به نظام صالح و مطلوب علوی نزدیک‌تر شویم.

سردبیر